

جمعه گردی های اسماعیل نوری علا

مجاهدین، احزاب کردی، و کنگرهء بوخوم!

یک سالی از ایجاد کنگرهء سکولار دموکرات های ایران نگذشته، «کنگروه» در ذهن آدم های تنگ نظر هیبتی بهم زده است: مجاهدین گوش تیز کرده اند که بفهمند این پول ها از کجا آمده است (به ده هزار دلار اعلام شده کاری نداشته باشید! مهم آن تقاضای شفافیت شان است که آدم را می کشد!)؛ و سایت مشکوک «افشاگری کومله 1917» هم خبر می دهد که پول های هنگفتی در کار است، آنچنان که رهبران حزب کوملهء کردستان ایران را واداشته تا به سرعت خود را، برای تقسیم غنائم، به کنگره برسانند. و اما در این سناریو پول ها از کجا می آیند؟ گویا سلطنت طلبان نوع آقایان دکتر انصاری و نصر اصفهانی، که هنوز درد از دست دادن مقامات عالیه جگرشان را می سوزاند، بیشتر از این موضوع خبر دارند و می گویند: از وزارتخارجه های امریکا و اسرائیل! و برای چه کاری؟ برای تجزیهء ایران!

esmail@nooriala.com

کنگروهء سکولار دموکرات های ایران در شهر بوخوم آلمان، با صرف 9925 دلار به پایان رسید و، به این ترتیب از مجموع ده هزار دلاری که برای برگزاری کنگره (از میان اعضاء سه نهاد جنبش سکولار دموکراسی، مجمع سازمان های سکولار دموکرات ایران و مرکز مطالعات سکولار دموکراسی) جمع آوری شده بود، مبلغ 75 دلار هم در ته «کاسه» باقی ماند(1). با این همه گویا جای زخم زبانی از این بابت وجود داشت، چرا که آقایانی به نام رضا محمدی در سایت «آفتابکاران»، متعلق به سازمان مجاهدین خلق، اخیراً هشدار داده است که:

«آقای نوری علا، در همان ابتدای کار و برای رفع هر گونه سوء ظنی مبنی بر استقلال مالی این

کنگروه... تاکید بسیار می کنند، ولی با شفافیت از منبع بودجهء ده هزار دلاری سخنی بمیان نمی آورند و

شاید هم که لازم ندیده اند که به این امر اشاره ای بکنند».(2)

اما حال که دخل و خرج مختصر کنگرهء بوخوم روشن شده، بد نیست که دوستان مجاهد ما نیز در مورد این همه ریخت و پاشی که در مراسم و تظاهرات مختلف دارند و پول هایی که در این سازمان رد و بدل می شود، حداقل در برابر اعضاء خود، شفافیتی نشان بدهند تا کنگرهء سکولار دموکرات های ایران هم، که قرار است هر ساله در سالگشت پیروزی انقلاب مشروطه (14 مرداد) برگزار شود، نوع و حد شفافیت از نوع آنان را دریابد.

اما داستان «منابع مالی کنگرهء سکولار دموکرات های ایران» تنها توجه دوستان مجاهد را بخود

جلب نکرده است و دیدم که نشریهء مشکوک، به نام «افشاگری کومله 1917»، طی مقاله ای با عنوان

«حضور پر سر و صدای نمایندهء کومله در کنگرهء سکولار دموکرات های ایران» نوشته است که علت شرکت

نمایندهء حزب کوملهء کردستان ایران (خانم ناهید بهمنی) و قرائت پیام آقای عبدالله مهتدی، دبیر کل این

حزب، در کنگرهء بوخوم آن بوده است که: «از جمله دلایل حضور کومله ای ها در این کنگره،.. فرصت طلبی و

خوی مادی آنها بود. کومله ای ها، دنبال آن بودند تا از مزایای مالی و سیاسی این تشکل بهره مند شوند و

از این طریق پول هنگفتی به جیب بزنند و همچنین به منافع حزبی خود نیز همراه منافع شخصی دست

یابند»(3). که معلوم نیست قرار است در این مقاله بودجهء ضعیف کنگرهء بوخوم را مسخره کنند و یا با ایراد

کردن اینگونه اتهامات کثیف چوب لای چرخه کومله ای ها بگذارند.

باری، اخیراً، در همین راستا، صفت های مختلفی به سکولار دموکرات های ایران نسبت داده می شود. مثلاً، جوانکی به نام دکتر ایمان انصاری از ایتالیا، در مصاحبه با وزیر کشور اسبق رژیم سابق، آقای نصر اصفهانی، و در برنامه ای که جریانی به نام «جبهه همبستگی مبارزان ایران» وقت آن را از تلویزیون پارس می خرد، و به نوعی سخنگوی سلطنت طلبان دبش است، اظهار لحن کرده که: «این ها که در کنگره بوخوم شرکت کرده اند یک مشت وطن فروش هستند که از طرف وزارت خارجه آمریکا و اسرائیل مأمور تجزیه ایران شده اند» (4). دلیل حضرت هم شرکت احزاب منطقه ای در این کنگره است؛ یا بگوئیم احزاب قومی یا ملیتی و یا به هر اسم دیگری که بخوانیدشان، همچون حزب کومله کردستان ایران، اتحاد عشایر و اقوام جنوب ایران، جبهه مردم بلوچستان، سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن و حزب دموکرات کردستان (که با حزب دموکرات کردستان ایران، به رهبری آقای مصطفی هجری، متفاوت است و دبیرکلی اش بر عهده آقای خالد عزیزی است و آقای کاوه آهنگری به نمایندگی از ایشان به کنگره بوخوم آمده بود).

اینگونه است که می بینم، یک سالی از ایجاد کنگره سکولار دموکرات های ایران نگذشته، «کنگره» در ذهن اینگونه آدم های نظر تنگ چه هیبتی بهم زده است: مجاهدین گوش تیز کرده اند که بفهمند این پول ها از کجا آمده است (به ده هزار دلار اعلام شده کاری نداشته باشید! مهم آن تقاضای شفافیت شان است که آدم را می کشد!)؛ و سایت مشکوک «افشاگری کومله 1917» هم خبر می دهد که پول های هنگفتی در کار است، آنچنان که رهبران حزب کومله کردستان ایران را هم واداشته تا به سرعت خود را، برای تقسیم غنائم، به کنگره برسانند. و اما در این سناریو پول ها از کجا می آیند؟ گویا سلطنت طلبان نوع آقایان دکتر انصاری و نصر اصفهانی، که هنوز درد از دست دادن مقامات عالیله جگرشان را می سوزاند، بیشتر از این موضوع خبر دارند: از وزارتخارجه های آمریکا و اسرائیل! و برای چه کاری؟ برای تجزیه ایران!

یعنی آقایان نصر اصفهانی و ایمان انصاری معتقدند که دو کشور آمریکا و اسرائیل خواستار تجزیه ایران هستند و در این راه خوب پول خرج می کنند (امری که مجاهدین فقیر بیچاره را هم به شک انداخته است) و پول را هم داده اند به دست آن صد و پنجاه نفری که در کنگره بوخوم جمع شده بودند. در این صورت نمی فهمم که چرا خود آقای نصر اصفهانی و برخی از یاران اش مرتباً مشغول رفتن به کنگره آمریکای تجزیه طلب و ملاقات با نمایندگان تجزیه طلب این کنگره هستند؟! لابد می خواهند از نفوذ وسیعی که در کنگره دارند (!) استفاده کرده و مقامات آمریکا را از تجزیه ایران منصرف کنند!

اما سایت بسیار مشکوک «افشاگری کومله 1917» بر یک نکته دیگر نیز پافشاری می کند. می دانیم که نزدیک به یک دهه است که سازمان های سیاسی مختلفی، که خود را نماینده اقوام ایران (خودشان می گویند «ملیت های ایران») معرفی می کنند، در نهادی گرد هم آمده اند به نام «کنگره ملیت های ایران فدرال» که در آن هم حزب دموکرات کردستان ایران (به دبیر کلی آقای مصطفی هجری) و

هم حزب کوملهء کردستان ایران (با دبیر کلی آقای عبدالله مهتدی) عضو ارشد محسوب می شوند. سایت «افشاگری کومله 1917» می نویسد:

«از بین اعضای کنگرهء ضد انقلابی موسوم به ملیت های ایران فدرال، از ناهید بهمنی، همسر عبدالله مهتدی، سرکردهء کومله و عضو دفتر سیاسی کومله نیز جهت شرکت دعوت بعمل آمده بود، که هیئت اجرایی کنگرهء ملیت های ایران فدرال در جدیدترین واکنش و تصمیم گیری خود بابت حضور یا عدم حضور اعضای گروهک تجزیه طلب و فرصت طلب کومله، دومین کنگرهء سکولار دمکرات های ایران را تحریم و با حضور اعضای خود در این نشست به صراحت مخالفت کردند و در دستوری اعلام کردند که نمایندگان کومله، بعنوان اعضای کنگرهء ملیت های ایران فدرال، حق شرکت در کنگرهء سکولار دمکرات های ایران را ندارند. لکن، علی رغم این تصمیم، نمایندگان گروهک تروریستی و تجزیه طلب کومله، ناهید بهمنی و بختیار علیا، با عزیمت به شهر بوخوم آلمان، در کنگرهء سکولار دمکرات های ایران شرکت کردند و علناً به این تصمیم کنگرهء ملیت های ایران فدرال، بعنوان هم پیمان کومله، دهن کچی کردند».

از آنجا که من از این موضوع کلاً بی اطلاع بودم، از دوستانم آقایان دکتر حسین بر (نمایندهء جبههء مردم بلوچستان) و آقای جوما بورش (نمایندهء سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن)، که هر دو سازمان شان عضو کنگرهء ملیت های ایران فدرال اند، در مورد این که «هیئت اجرایی کنگرهء ملیت های ایران فدرال در جدیدترین واکنش و تصمیم گیری خود... دومین کنگرهء سکولار دمکرات های ایران را تحریم و با حضور اعضای خود در این نشست به صراحت مخالفت کرده اند» استعلام کردم، و هر دوی آقایان از این موضوع بی خبر بودند. لذا در صورت صحت خبر این «تحریم»، باید پذیرفت که ما با دو «کنگروهء ملیت های ایران فدرال» روبرو هستیم؛ یکی آنکه کنگرهء بوخوم را تحریم می کند و یکی هم آنکه اعضائش با طیب خاطر در کنگرهء مزبور حاضر می شوند.

اما، در این میان، یک واقعیت غیر قابل تردید که در سایت های کنگره هم از یک ماه پیش از کنگره منعکس شده بود وجود دارد که سخن سایت مزبور را پیچیده تر می کند.

من، بعنوان عضو کمیتهء برگزاری دومین کنگرهء سکولار دموکرات های ایران، و به نیابت از آن، برای حدود 200 نفر که آدرس ایمیلی شان را داشتم برای شرکت در کنگره دعوت کرده بودم؛ از جمله برای آقایان مصطفی همجری (دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران)، آقای حسن شرفی (جانشین دبیر کل حزب) و آقای شاهو حسینی (نمایندهء حزب در اروپا). چندی پس از ارسال این دعوت ها، ای میلی از آقای شاهو حسینی دریافت داشتم که به زبان کردی نوشته شده بود. از آنجا که من، با کمال تأسف، کردی نمی دانم، از ایشان درخواست کردم که پاسخ دعوت مرا به فارسی بفرستند. چندی بعد این ای میل به دست من رسید و عیناً در بخش پیام های سایت های کنگره منعکس شد:

«استاد گرامی، جناب نوری علا، با درود. پاسخ ارسالی از طرف آقایان هجری، شرفی و اینجانب می باشد. متأسفانه ما از شرکت معذوریم. با عرض ادب، شاهو حسینی. 4 جولای 2014»

پرسش آن است که آیا نویسندگان خیال پرداز سایت مشکوک «افشاگری کومله 1917»، تنها با خواندن همین پاسخ، سناریوی «دهن کچی حزب کوملهء کردستان ایران به حزب دموکرات کردستان ایران» را نوشته اند؟ یا اینکه برآستی در حزب دموکرات مزبور کسانی بوده اند که به دلایلی نامعلوم شرکت دبیرکل یا نماینده ای از آن حزب را در کنگرهء بوخوم، که شعارش «حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران» بود صلاح

ندانسته و از آقای شاهو حسینی خواسته اند که، یکجا، از طرف آقایان هجری و شرفی و خودشان اعلام کنند که: «متأسفانه ما از شرکت معذوریم»؟ و براستی چرا آقای شاهو حسینی از یکسو نمی توانسته در کنگره شرکت کند و ز سوی دیگر از این بابت متأسف بوده است؟ و نیز آیا ادب سیاسی حکم نمی کرده که یکی از قدیم ترین احزاب سیاسی کشورمان پاسخ مبسوط تر و مدلل تری را به دعوت ما می دادند؟

براستی این «معذوریت» از چه بابت بوده است و دوستان حزب دموکرات مزبور در کنگره ما چه عیب و فتوری دیده اند که نخواسته اند در آن شرکت کنند؟ و چرا حزب همپیمان شان، حزب کومله کردستان ایران، اگرچه نتوانسته دبیرکل خود را به کنگره بوخوم بفرستد، اما از بانوی اول حزب و همسر دبیر کل خواسته است تا رنج سفر را بر خود هموار کرده، به کنگره بوخوم آمده، پیام دبیرکل را قرائت کرده و سپس خود مطالب مشبعی را در رابطه با اهداف حزب و نقش کنگره بوخوم بیان دارند(5) و همچنین در یک مصاحبه با آقای سیروس ملکوتی در تلویزیون متعلق به حزب شان (تلویزیون «روژهلان») شرکت کرده و درباره کنگره بوخوم صحبت کنند؟(6)

آیا نظر سایت مشکوک «افشاگری کومله 1917» در این مورد صائب است که کومله در برابر اعضاء دیگری از کنگره که خواستار تحریم گردهمایی بوخوم بوده اند ایستاده و به خواست آنها تن نداده است؟

در اینجا لازم است به تجربه تلخ دیگر و قبلی تری در مورد کنگره ملیت های ایران سکولار و رفتار عجیب نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران نیز اشاره ای بشود؛ که اگرچه به مطالبی که تاکنون نوشته ام ربط مستقیمی ندارد اما می تواند برخی زوایای تاریک کار را روشن کند.

حدود شش سال پیش من بنیان گزار نهاد سیاسی جدیدی شدم که «شبکه سکولارهای سبز ایران» نام گرفت. علت وجودی این شبکه وقوع جنبش سبز در ایران بود که اصلاح طلبان اسلامی بشدت مشغول مصادره آن بودند ولی «ما» اعتقاد داشتیم که اکثریت شرکت کنندگان در این جنبش «سکولار» هستند اما رهبری منسجمی ندارند و به همین دلیل اسیر رهبری اصلاح طلبانی شده اند که از ورود آنها به مرحله «ساختار شکنی» جلوگیری می کنند. پس، لازم است در برابر «حکومت اسلامی» یک بدیل سکولار دموکرات بوجود آید که در صورت تکرار جنبش سبز بتوان از وجود آن برای رهبری جنبش استفاده کرد. بدینسان، مسئله اتحاد نیروهای انحلال طلب و ایجاد یک آترناتیو سکولار دموکرات در دستور کار «شبکه» قرار گرفت. همچنین تصمیم گرفته شد که کلیه فعالیت هائی که در این راستا انجام می شود به «حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران» مقید باشد(6). اعضاء شورای هماهنگی شبکه در مذاکرات خود به این نتیجه رسیدند که چون حدود هفتاد درصد ملت ایران در اقوام (یا بقول کنگره ای ها، در «ملیت» های مختلف ایرانی پراکنده اند، در اتحادی که مابین نیروهای انحلال طلب بوجود می آید نیز باید جایگاهی خاص برای آنان در نظر گرفت و با نمایندگان شان وارد مذاکره شد و راه حل هائی را به دست آورد که، در عین پاسخگوئی به خواست های حقه مردمان ایران، حاوی ضمانت های اجرائی کارائی نیز در مورد «حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران» باشند. در این راستا هیئتی (به ریاست آقای دکتر رضا حسین بر و سخنگوئی ارشد من) مأمور گفتگو با شخصیت ها و سازمان های سیاسی شد و طی یک سال و نیم با 25 سازمان و 64 شخصیت سیاسی به مذاکره نشست، که تشکیل کنگره اول سکولار دموکرات های ایران و

ایجاد نهادی سیاسی به نام جنبش سکولار دموکراسی ایران و نیز تشکیل مجمع سازمان سکولار دموکرات ایران حاصل آن است.

اما در اینجا من فقط قصد دارم به جریان مذاکره با نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران (آقایان حسن شرفی و شاهو حسینی) پردازم که به موضوع مقاله من مربوط می شود.

این مذاکرات در حدود ده جلسه و طی سی تا چهل ساعت رایزنی انجام شد و در پایان طرفین مذاکره به سندی دست یافتند که در آن مقاصد هر دو طرف مورد تأیید دیگری قرار می گرفت و حاوی تعهد به «یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران» و کوشش برای اجرای سیاست عدم تمرکز، بصورت تقسیم وظایف دولت مقتدر مرکزی و دولت های خودگردان [و نه خودمختار] محلی بود، و نمایندگان حزب اعلام داشتند که سند مزبور را برای رسدگی و تصویب به رهبری حزب می فرستند.

بزودی خبر رسید سند مزبور به تصویب شورای سیاسی حزب نیز رسیده است. ما، در شبکه

سکولار های سبز ایران مترصد انتشار این سند با امضای دو تشکل خود و حزب بودیم که آقای شاهو حسینی به ما اطلاع دادند که چون حزب دموکرات کردستان ایران عضو کنگره ملیت های ایران فدرال است نمی تواند به تنهایی با سازمان دیگری وارد رد و بدل کردن مقوله شود و لذا ایشان سند مزبور را به کنگره برده و در آنجا برای تصویب آن از جانب کنگره مزبور اقدام خواهند کرد. چندی بعد نیز ایشان اطلاع دادند که سند در کنگره مطرح شده و اعضاء کنگره خواستار آن شده اند که نمایندگان کنگره نیز، در حضور نمایندگان حزب، در چند جلسه با نمایندگان شبکه وارد گفتگو شده و سپس در مورد سند تصمیم بگیرند.

نخستین جلسه جدید با شرکت سه گروه تشکیل شد. در این جلسه از جانب کنگره آقایان

صدرالاشراف و یوسف شاملی (بعنوان نمایندگان سیاسی آذربایجان در کنگره مذکور) و آقای بختیار علیار، نماینده حزب کومله کردستان ایران در آن کنگره، شرکت داشتند. آقایان حسن شرفی و شاهو حسینی هم همچنان بعنوان نمایندگان حزب دموکرات کردستان حضور داشتند و من نیز، همراه با یارانم، شبکه سکولارهای سبز را نمایندگی می کردم.

از همان ابتدا معلوم بود که جو مذاکرات بکلی تغییر کرده است و مطالبی همچون «خودمختاری»

[بجای خودگردانی] و «حق تعیین سرنوشت»، که در سند مورد بحث کنار گذاشته شده بودند، مطرح می شوند. بدینسان، مذاکرات آن روز، بخصوص با اصرار نمایندگان آذربایجان، به بن بست کشیده شد و من نیز از طرف شبکه اعلام کردم که چون تمام هم ما کنار گذاشتن زبان تجزیه طلبان و رسیدن به توافقی منصفانه برای اجرای سیاست عدم تمرکز برای جلوگیری از بازتولید استبداد و نیز «حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران» بوده است، این مذاکرات را بی نتیجه دانسته و من و یارانم دیگر در آن شرکت نخواهیم کرد.

آنچه در این ماجرا برای ما موجب حیرت بود چرخش صد و هشتاد درجه ای آقایان حسن شرفی و

شاهو حسینی محسوب می شد که، علیرغم تصویب سند مزبور در جلسات قبلی و اعلام تصویب شدن آن در رهبری حزب، اکنون با نمایندگان آذربایجان همصدا شده و بکلی مخالف مفاد مقوله نامه سخن می گفتند. در آن جلسه تنها آقای بختیار علیار بود که با ما همدلی و همسخنی داشت.

باری، از پایان آن جلسه تأسف آور تا همین امروز موضوعی که سخت مرا آزار می دهد ندانستن دلیل تلون مزاج و تغییر مواضع حیرت انگیز نمایندگان حزب دموکرات کردستان ایران، که بعنوان یکی از قدیمی ترین احزاب سیاسی ایران، باید رفتار بالغانه ای می داشتند بوده است؛ و اکنون، با دریافت پیام منفی آقای شاهو حسینی در پاسخ دعوت من از آنان برای شرکت در کنگره، (که مدعی اند به نمایندگی از آقایان هجری و شرفی نیز سخن می گویند)، آن هم بدون اقامه هیچ دلیل و توضیحی هرچند مختصر، معمای گذشته برایم بسیار پیچیده تر شده است.

باری، ما سکولار دموکرات های یکپارچگی طلب و خواهان عدم تمرکز قدرت، این راه را با دست خالی (ده هزار دلار برای یک کنگره!) و دلی پر از عشق به میهن مان آغاز کرده ایم و سر آشتی با هیچ تجزیه طلبی هم نداریم. ما معتقدیم که مردم ایران حق دارند که در استان های محل اقامت خود بتوانند امور خویش را به دست خود اداره کنند، مجلس و حکومت خود را داشته باشند، به ویژگی های زبانی و فرهنگی و دینی شان احترام گذاشته شود و در عین حال توانا شوند که از بازتولید استبداد در آینده کشورمان جلوگیری کنند. حال اگر تجزیه طلبان از یکسو، و صاحبمنصبان رژیم سابق از سوی دیگر، چنین نمی پسندند، لازم است که مشکل را در خود جستجو کنند، پیش از آنکه دست در ذهنیت لجن زده ببرند و محتوای فاسدش را با کمال بی مسئولیتی به سوی عاشقان ایران پرتاب کنند.

1. <http://isdmovement.com/ETC/Congress-Financial.htm>

2. <http://www.aftabkaran.com/maghale.php?id=4206>

3. پیوند به مقاله در "[وب سایت افشاگری کومله 1917](#)"

4. <https://www.youtube.com/watch?v=sN0mI8X18tI&feature=youtu.be> (قسمت سوم برنامه)

5. <https://www.youtube.com/watch?v=TIQIfCyXnY&feature=youtu.be>

6. <https://www.youtube.com/watch?v=h6MrL-IHTb4&feature=youtu.be> (قسمت سوم)

با ارسال ای - میل خود به این آدرس می توانید مقالات نوری علا را هر هفته مستقیماً دریافت کنید:

NewSecularism@gmail.com

مجموعه آثار نوری علا را در این پیوند بیابید:

<http://www.puyeshgaraan.com/NoorialsWorks.htm>